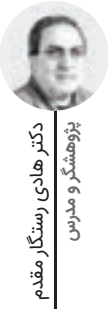


نجوا با خداوند



مناجات شعبانیه یکی از دعاهایی است که از زبان مبارک حضرت امیرالمؤمنین^(ع) صادر شده است و بر اساس روایات، همه حضرات معصومین^(ع) این دعا را مواظبت می کردند و به قرائت آن اهتمام داشتند. مناجات، یعنی نجواکردن، به معنای آرام و درگوشی با یکدیگر سخن گفتن است. آیه شریفه می فرماید: «ایا نمی دانند که خداوند متعال سز آنان و سخن آرام و درگوشی آنان را نمی داند و یقینا خدای تعالی آگاه به تمام غیوب است.» (توبه/۸۷) در این آیه شریفه سز و نجواکردن را کنار هم آورده و سپس خدای تعالی را عالم الغیوب بیان می کند. پس معلوم می شود نجوا و مناجات سخن بسیار پنهانی است. در آیه شریفه دیگر همین معنا را خداوند به بیان دیگر ذکر فرموده است: «ایا گمان می کنند ما سز ایشان و نجوای آنان را نمی شنویم؟! چرا رسولان ما (ملائکه) که در نزد ایشان هستند، (همه اسرار و سخنان پنهانی آنان را) می نویسند.» (زخرف/۸۰). آیه شریفه به این حقیقت اشاره دارد که حتی اگر نیت ما انسان ها خوب باشد و یا بد، نوشته خواهد شد و خدای تعالی بر آن نیت ها و اسرار و سخنان پنهانی، حتی سخنی که انسان در دل بیان می کند که به اصطلاح گفته می شود در دل با خود حرف می زند، احاطه دارد. پس مناجات قسمی از دعاکردن است که میان انسان و خدای خودش صورت می گیرد که می توان این گونه مناجات را به دیگران آموزش داد.

دعا و مناجات باید از ناحیه امام معصوم^(ع) باشد، چرا که امام^(ع) با آن آفق وجودی بالایی که دارند، می دانند چه بخواهند و چگونه بخواهند و این نحو از دعاکردن را به دیگران بیاموزند، زیرا وقتی امامان معصوم^(ع) مناجات می کنند و یا دست به دعا به درگاه الهی برمی دارند، اوج معارف و معرفت است، اگرچه ما از معنا و محتوای آن مطلع نباشیم ولی چون به امام معصوم^(ع) تأسی می شود، ان شاء... تأثیر خودش را دارد. یکی از آن مناجات و دعاهای بسیار پرمحتوا که اوج معرفت است، مناجات شعبانیه است. در فرازی از آن، نخست به درگاه الهی عرض می کنند: پروردگارا درودهای فراوانت را بر محمد و آل او بفرست. این خود دعاست که برای غیر است و دعای برای غیر موجب اجابت است و همانند آن را به دعاکننده نیز خواهند داد. سپس عرضه می دارند: پروردگارا، وقتی به درگاهت دعا می کنم دعای مرا بشنو و وقتی تو را ندا می کنم صدای مرا را بشنو و وقتی با تو مناجات می کنم به من رو کن، چراکه من محققا و حقیقتا بهسوی تو از تمام بدی هاییم می گریزم و در برابرت با حالت مسکینی و مستکینی می ایستم و با حالت تضرع به سوی آمدهام و با امیدواری به آنچه از رحمت و مغفرت و کرامت که ثواب من در نزد توست، رو کرده ام.

در جای دیگر عرضه می دارند: پروردگارا، نیازهای مرا در مقربا و طمع مرا به نیکی ها ناامید مگردان و امید و آرزوهای مرا به خودت منقطع مکن. پروردگارا، اگر خواری و ذلت مرا اراده کردی مرا هدایت نمی کردی و اگر فضاحت و بی آبرویی مرا اراده کردی، مرا عافیت نمی دادی. در ادامه نیز عرضه می دارند: پروردگارا، اگر مرا با جرم هایم بگیری، من تو را به عفو و گذشتت می گیرم. اگر مرا به گناهانم بستانی، من تو را به مغفرت و بخششت می ستانم و اگر مرا به دوزخ داخل گردانی، من تمام اهل دوزخ را آگاه خواهم کرد که من دوست دار تویم.

نظیر این دعا را مرحوم شیخ بهایی در کتاب مفتاح الفلاح در دعای دست آورده است که ابتدای آن چنین است: اِلَهِی کَیْفَ ادْعُوكَ وَ کَیْفَ اَدْعِیْکَ وَ کَیْفَ لَا ادْعُوکَ وَ کَیْفَ اَدْعِیْکَ فِی قَلْبِی... اِلَهِی لِاِنْ طَالَبْتَنِی بِذُنُوبِی لِاطْلَالِیْنِ بِعَفْکَ وَ لِاِنْ طَالَبْتَنِی بِجُرْیَرَتِی لِاطْلَالِیْنِ بِمَغْفِرَتِکَ وَ لِاِنْ اَمْرْتَنِی اِلَی النَّارِ لِاٰخِرِیْنِ اَهْلُهَا اَنْتَی کُنْتُ اَقُولُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ.... پروردگارا چگونه تو را بخوانم در حالی که تو را عصبان کردم و چگونه تو را نخوانم در حالی که می دانم عشق و محبت تو در دلم جای دارد... پروردگارا اگر مرا به خاطر گناهانم طلب کنی، تو را به عفو و گذشتت طلب می کنم و اگر مرا به واسطه گناه و جنایاتم طلب کنی، من تو را به واسطه مغفرت و بخششت طلب می کنم و اگر مرا به داخل شدن در آتش امر کنی، من حتما تمام اهل آتش را خبر می دهم که من کسی بودم که گفتم هیچ معبودی نیست، مگر خدای تعالی و محمد^(ص) رسول خداست....

این است که باید حقیقتا گفت این دسته از دعاها مناجات است میان عبد و خدای تعالی، چراکه برخی از این ها را نمی شود با فریاد گفت و خدای تعالی دوست نمی دارد وقتی بنده گناهی را مرتکب شده است به گونه ای دعا کند که دیگران آگاه شوند؛ پس باید آرام و مناجات گونه باشد که تنها میان عبد و خدای تعالی باشد. ان شاء... در فرصت بعد به شرط حیات سخنی درباره گریه کردن که چگونه اشک، دریای رحمت الهی را متلاطم می سازد، بیان خواهیم کرد.

پرس و بدان

عاق والدین

در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرمی می توانید با ارسال پیامک پرسش های خود را به شماره ۳۰۰۷۲۸۹ یا ۳۰۰ در میان بگذارید.

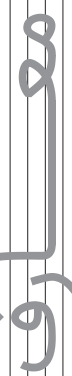
عاق والدین به چه معناست و در چه شرایطی تحقق می یابد؟ آیا سرپیچی از هر خواسته پدر و مادر، به حقوق والدین خواهد انجامید؟

عقوق والدین عبارت است از به خشم آوردن و آزدن خاطر پدرومادر و البته که آزدن یکی از آن ها نیز موجب عاق شدن می شود. اگر چه در تمام ادیان و فرهنگ ها، والدین از احترام ویژه ای در برابر فرزندان برخوردارند، ولی در اسلام علاوه براین حقوق، حقوق اخلاقی گسترده ای برای والدین برشمرده شده است و آن قدر دامنه این حقوق وسعت دارد که هر گونه آزار و اذیت آنان، تضییع حقوقشان دانسته می شود. در کنار آن، اسلام برخی حقوق فقهی را نیز برعهده فرزند گذاشته است که باید به آنان عمل کند؛ از جمله می توان به وجوب پرداخت نفقه به والدین محتاج، توسط فرزند اشاره کرد.

درباره حق والدین، تعبیر قرآنی متعددی وارد شده است. از جمله خداوند می فرماید: «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نرسیتید!» و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دو آن ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن ها روا مدارا! و بر آن ها فریاد من! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن ها بگو،» (سوره اسرا، آیه ۲۳)

در کنار ایمان به خداوند و عدم شرک به او، فرمان به خوبی کردن در حق پدر و مادر داده شده است و از رنجاندن آنان حتی با کوچک ترین کلمه نهی شده است. در روایات نیز اگرچه عاق والدین را جزو گناهان کبیره به شمار آورده اند، ولی مانند آیات قرآنی حدی برای این موضوع تعیین نشده است و برای بزرگداشت حق والدین، تنها به صرف رنجیده شدن آنان اشاره شده است. پس اذیت شدن آنان و رنجیده خاطرشدن والدین، ملاکی است برای درنظرگرفتن حقوق واجب والدین. اگر فرزند در مواردی مخالفت با نظر والدین داشته باشد که این مخالفت موجب اذیت آنان شود، سبب عاق شدنش را فراهم کرده است، ولی موارد مختلفی است که شرعاً جزو موارد اطاعت فرزند از والدین به حساب نمی آید، از جمله می توان به مواردی اشاره کرد که والدین به فرزند امری مخالف با دستورات و قوانین الهی و اسلامی می دهند و از او می خواهند تا فلان خلاف شرع را انجام دهد که در این موارد انجام دستور آنان لازم نیست و موجب عاق شدن نیز نمی شود.

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که ملاک حقوق واجب والدین، عمل به خواسته آنان است تاحدی که از نظر اخلاقی انجام ندادن آن موجب اذیت آنان نشود و از نظر فقهی خواسته والدین، انجام حرام یا عدم انجام واجبی نباشد. البته برخی دیگر از امور است که در شرع، رعایت نظر والدین، در آن اگرچه خوب است ولی واجب شمرده نشده است، پس برای شناخت هر مورد باید به طور خاص، نظر مرجع تقلید در آن مورد گرفته شود.



چرخه ای که ما را به ظهور نزدیک می کند

تاثیر کار نیک در اجتماع و تاثیر آن بر امر ظهور منجی

آمنه مستقیمای از فرصت های مطلوب برای بازخوانی وظایف منتظران امام زمان^(عج) و تأکید بر اصولی که سبک زندگی منتظرانه و زمینه سازی ظهور را تحقق می بخشد، دهه مهدویت و ایام منتهی به نیمه شعبان، سالروز ولادت امام زمان^(عج) است، از این رو مروری داریم بر مسئله چرخه نیکی و جلوه هایش و نقش مؤثر آن در ظهور و فرج حضرت ولی عصر^(عج) که در ادامه می آید.

مختصات جامعه مطلوب

آنچه از روایات برمی آید، جامعه ای مطلوب است که افراد آن به هم محبت، دوستی، مهرورزی و یاری داشته باشند، به دیدار هم بروند، روایتشان گرم، صمیمی و برخوردار از تعاون و مشارکت باشد، به یکدیگر احترام و نیکی و احسان کنند، با هم قهر نباشند، در رفع نیازهای هم یکوشند، خطاهای همدیگر را نادیده بگیرند و کینه از هم در دل نداشته باشند، به یکدیگر حسد نورزند، آبروی یکدیگر را نریزند، خادم هم باشند، قهر را به آشتی تبدیل کنند، نسبت به هم مودت، عاطفه، برادری و ایثار داشته باشند، به بزرگ ترها احترام و محبت کنند، یتیمان و کودکان را ربوازند و... همه این ها در حاکمیت محبت و دوستی بر روابط افراد خلاصه می شود.

(زندگی مهدوی، اوصاف و اخلاق منتظران)

مهم آن است که در روایات، فقط نیکی و احسان به مسلمانان یا مؤمنان مطرح نشده است، بلکه احسان به عموم مردم مطرح است، یعنی حتی نیکی به فقرا و نیازمندان بی ایمان نیز پسندیده و مورد سفارش اسلام است. بنابراین احسان و رواج یافتن آن در جامعه از نیرومندترین عواملی است که مردم را به بهره وری از نعمت ها و استفاده از فرصت ها هدایت می کند و آنان را بهسوی «مساوات» و نزدیک سازی سطح زندگی ها به یکدیگر سوق می دهد.

چرخه نیکی در اجتماع

احسان و نیکوکاری یکی از آموزه های وحیانی و از مفاهیم پر دامنه قرآنی است. قرآن کریم با امر به عدل و احسان به این مهم اشاره می کند، چرا که بی عدالتی بنیان اجتماع را متزلزل می کند و نبود احسان نیز موجب به وجود آمدن جامعه ای خشک و بی روح می شود. در حدیث است که «نیمی از خرد، دوستی کردن با مردم است.» (اصول کافی، ص ۶۴۲)

در آموزه های دینی، محبت خدا و رسول^(ص) و اهل بیت^(ع) و برادران دینی، محبت به همسر و فرزندان، محبت به پدر و مادر، محبت استاد به شاگرد و حاکم به رعیت و فرمانده به نیروهای تحت امر، مهرورزی به یتیمان، ضعیفان، معلولان و نیازمندان فراوان مطرح شده است، چنان که رسول خدا^(ص) فرموده اند: «هرگز دو نفر به خاطر خدا نسبت به هم محبت نمی ورزند، مگر آنکه بدترین آنان نزد خدا کسی است که محبتش به دوستش بیشتر باشد.»

(میزان الحکمه، حدیث ۳۹۸)

راه جلب اعتماد دشمنان!

از دیگر جلوه های نیکی در حق یکدیگر صداقت و امانت داری است. دروغ گویی در روایات اهل بیت^(ع) به عنوان کلید همه پلیدی ها به شمار می آید. فردی که از دروغ گفتن ایبا نداشته باشد، هر جرم و گناهی را مرتکب و برای پوشاندن گناهانش به دروغ متوسل می شود. انسان امین و راستگو مورد اعتماد جامعه است، حتی دشمنان با دیدن صدق و امانتش به او اعتماد می کنند. از امیرالمؤمنین^(ع) نقل است که فرمودند: «امانت را برگردانید هر چند به قاتلان پیامبر زادگان.» (میزان الحکمه، حدیث ۱۴۹۵)

از دیگر جلوه های نیکی در جامعه منتظر و سبک زندگی منتظرانه که افراد را آماده ظهور می کند و در زمینه سازی برای تحقق دولت موعود مؤثر است، وجود روحیه تعاون است. در دین اسلام تأکید شده است که افراد در کار خیر و اعمال صالح، مشارکت کنند و به یاری هم بشتابند، چنان که قرآن در آیه ۲ سوره مبارکه مائده می فرماید: «بر نیکی و تقوا، تعاون و یاری داشته باشید و بر گناه و تجاوز، یکدیگر را یاری نکنید.»

به همان اندازه که کمک به مؤمنان اجر و ثواب دارد، بی اعتنایی به وضع مردم و یاری و مساعدت نکردن یکدیگر عواقب سوء دارد. امام صادق^(ع) می فرماید: هر یک از شیعیان ما اگر سراغ یکی از برادران دینی اش برود و در کارش از او کمک بخواهد و او هم بتواند ولی مضایقه کند، گرفتار آن می شود که کمک کار دشمنان ما شود و به همین سبب هم در قیامت عذاب می شود. (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰) بنابراین ضرورت دارد در عصر غیبت، منتظران ظهور پشتیبان هم باشند تا در انبوه دشمنان دچار ضعف و انزوا نشوند و قدرت اجتماعی خود را که بستر ساز ظهور امام مهدی^(عج) است، حفظ کنند. (زندگی مهدوی، اوصاف و اخلاق منتظران)

داستان

میان بر جذب دل ها به امام زمان^(عج)

نکته دیگر آنکه دامنه نیکی در آموزه های دینی بسیار گسترده است، چنان که از سلوک رفتاری و حسن خلق تا کمک های مالی و احسان در حق فقرا و... را شامل می شود، آنچه آدمی را نزد خدا و خلق محبوب می کند و در دل ها جای می دهد، اخلاق نیکوست، چنان که در حدیث نبوی^(ص) آمده است: «انسان با اخلاق نیکویش به درجه روزه دار شب زنده دار می رسد.» (میزان الحکمه، حدیث ۵۰۱۲)

رسول خدا^(ص) می فرماید: شما با اموالتان نمی توانید به همه برسید (و آنان را برخوردار کنید) پس با اخلاقتان به آنان برسید. (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۶) داشتن اخلاق خوب در جذب افراد و تأثیر گذاری، جای اموال و بخشش را می گیرد، این یعنی با اخلاق خوش می توان جاذبه آفرید و دل های دیگران را به اسلام، تشیع و امام زمان^(عج) متمایل کرد. منتظر امام زمان^(عج) در اخلاق نیک باید الگو و سرمه باشد تا حضرت^(عج) از او راضی باشند.

بهترین مردمان

خدمت به مردم و نیازمندان از دیگر وجوه نیکی است که منتظران را به ظهور نزدیک می کند. مهم آنکه در این خدمت، فقط کمک مالی معیار نیست، تلاش برای خدمت به مردم و کمک به آنان و رفع نیازهای مختلفشان که در روایات با عنوان فضای حاجت مؤمن یاد می شود و فریادرسی به آنان که بی پناه و درمانده اند، از جلوه های این خدمت است. چنان که پیامبر^(ص) فرمودند: «بهترین مردم کسی است که مردم از وجود او بهره مند شوند.» (بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۰) امام رضا^(ع) نیز می فرمایند: «خداوند را در روی زمین بندگانی است که در برآوردن نیازهای مردم می کوشند، آنان در روز قیامت ایمن و آسوده اند.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۷)

یجاست که مؤمن منتظر به سفارش^(ع) به محرومان جامعه رسیدگی کند، مهم داشتن روحیه خدمت و دلسوزی و کمک به دیگران است، چه با کمک مالی باشد یا واسطت و تماس و سفارش، یا نوشتن نامه و پیگیری مشکل یا سفر کردن و خرج کردن از آبرو، موقعیت و نفوذ خود برای یاری برادر مسلمان.

امام زمان^(عج) در توقیع به شیخ مفید آورده اند: اگر شیعیان ما در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می شد، بنا بر بیان حضرت^(عج)، ایشان نبود صفا و یکدلی در بین شیعیان را سبب غیبت خود برمی شمارند. و با توجه به این سخن حضرت حجت^(عج) می توان دریافت که اجتماع و همدلی مؤمنانه منتظران که اصلی ترین ابزار تحقق آن، نیکی در ابعاد و از ابواب مختلف است، شاهراه زمینه سازی ظهور و درک آن جامعه آرمانی است که بشر، گمشده تاریخی خود را با آن می یابد.

زن بعد از اینکه شنید همسرش تصادف کرده و به بیمارستان شهر منتقل شده است، چادرش را بر سر کشید، کیفش را برداشت، دختر چهار ساله اش را بغل کرد و به طرف ایستگاه دوید. چند تاکسی بین راهی به نوبت ایستاده بودند و تا زمانی که مسافران نشان تکمیل نمی شد، حرکت نمی کردند. زن ناچار شد یکی از تاکسی ها را درست بگیرد، راننده که از انتظار طولانی اعصابش کش آمده بود، با روی پدال گاز گذاشت. ماشین از جا کنده شد. چند مسافر هم در بین راه سوار کرد. حالا راننده از خوشحالی دل توی دلش نبود و زن از ناراحتی دل توی دلش نبود.

به خاطر تصادف همسرش استرس داشت و راننده هم آهنگ گوش می کرد و عین خیالش نبود و خوش و خرم با آهنگ می خواند. راننده لحظه ای فرمان را رها کرد و شروع کرد به بشکن زدن. ماشین از جاده منحرف شد و به سمت سراسیمگی تند ی لغزد. راه بازگشتی نبود. اینجا پایان خط بود، ناگهان دخترک کوچکش جیغ زد و گفت: یا امام زمان^(عج)! ماشین معلق ایستاد. همه از در سمت شاگرد پیاده شدند و در کمال تعجب دیدند صخره ای بزرگ مانع شده است. زن دخترش را بغل کرده بود و او را می بوسید، مسافران دیگر دست به سر دختر کشیدند و خدا را شکر کردند.